

جایگاه بیماری‌ها در ترانه‌های محلی

گردآوری و تحقیق: ابوالقاسم فقیری*

یکی از جلوه‌های فرهنگ مردم ترانه‌های محلی است. ترانه ساده‌ترین قالب شعر فارسی است. بن وینست - ایرانشناس معروف - ترانه‌های عامیانه ایرانی را از بقایای شعر هجایی عهد ساسانی دانسته، معتقد است که با دقت و بررسی در این ترانه‌ها می‌توان به مشخصات عهد ساسانی پی برد. (۱)

مضمون ترانه‌ها

عشق، امید، آرزو، حرمان، فراق، نامرادیها، و اخوردگی‌ها، فریاد، عصیان، بیماری‌ها و سرانجام مرگ است.

ترانه شعر مردم کوچه و بازار است. بزرگان فرهنگ، شعر عامی را برنمی‌تابند. این ترانه‌ها در سینه‌ها جا خوش کرده‌اند و شکل مردمی گرفته‌اند و به دست من و شما رسیده‌اند. به همین خاطر در

ترانه شعر مردم کوچه و بازار است. بزرگان فرهنگ، شعر عامی را برنمی‌تابند. این ترانه‌ها در سینه‌ها جا خوش کرده‌اند و شکل مردمی گرفته‌اند و به دست من و شما رسیده‌اند

مجموعه‌های ادبی و تذکره‌ها از ترانه‌ها خبری نیست. به ترانه‌ها: فهلویات، دوییتی؛ دوییتو و چهاربیتو هم می‌گویند.

سال‌هاست که از نزدیک به ترانه‌های محلی آشنایم. باور دارم که ترانه‌ها ناب‌ترین شعر همه روزگاران است. با مطالعه ترانه‌ها به نکاتی رسیدم که قابل بررسی بود و در کتاب «سیری در ترانه‌های محلی» آنها را آورده‌ام. دوست صاحب‌دلم «سیروس رومی» چندی پیش گفت: «از بیماری‌ها هم در ترانه‌ها ردپایی هست یا نه؟» گفتم: به سراغشان می‌روم. باز هم گردش در ترانه‌های محلی. حاصل این دیدار، مطلبی است که می‌خوانید. می‌بینیم که سرایندگان گمنام ترانه‌های محلی، بیماری‌ها را فراموش نکرده‌اند و سرانجام مرگ را.

* پژوهشگر و محقق فرهنگ مردم فارس

۱- نقل از مقاله ترانه‌های محلی به قلم ادیب طوسی

به درد دل گرفتارم تو کردی
علاجم کن که بیمارم تو کردی (۱)

گل نرگس بیدم خارم تو کردی
به درد دل شب و روزم گرفتار

این هم روایت دیگری از این ترانه:

به دس غم گرفتارم تو کردی
چنین نالون و بیمارم تو کردی (۲)

گل میخک بودم خارم تو کردی
تو دادی کاسه‌ی زهری به دستم

نمیدونسه علاج درد بیمار
علاج درد عاشق دیدن یار

نگارینم نشسته پای دیوار
علاج درد بیمار یک طبیعی

نمی‌پرسی ز حال زار بیمار؟
می‌دونی چاره درد غریبی

تو که سر می‌کشی بر روی دیوار
علاج درد من را تو طبیعی

قسم بیمار و رنجورت کنه یار
الهی زنده در گورت کنه یار (۳)

قسم خوردی، قسم کورت کنه یار
قسم خوردی که مَو اِمشو می‌یایم

شکر گرد لبانت تلخ و شور است
اگر باقر نمی‌خواهی نه زور است (۴)

سرت نازم سر انداز تو، تورا است
تو یک ناری و صد بیمار داری

۱- بیدم (bidom): بودم

۲- دس = دست

۳- مَو اِمشو می‌یایم (mo- emšu- miyâyom): من امشب می‌آیم.

۴- نار= انار- انار میوه بهشتی است. مورد توجه مردم کوچه و بازار است. بویژه انار شیرین.

تب در ترانه‌های محلی

نگارا دیده خونبار از من
سرسبز و رخ سبزینه از تو

شوم خوش بود و روزم خوشتر از شو
ولی حالا که از پیشم برفته

نه تب دارم نه جایم می‌کنه درد
همه گویند که گرمای زمینه

خداوندا دلم دُو داره امشو
تو دلبر به جون دشمن افته

عزیزم از غمت تب می‌کنم من
همون بوسی که دادی کنج خونه

نه تب دارم نه جائیم می‌کنه درد
سر از بالین بیماری تو وِردار

به قربون سرت هر چیز که پیری
اگر خواهی سرم یاری بگیری

دل پر درد و حال زار از من
رخ زرد و تن تبار از من

چو پیشم بود من بوسیدمش لُو
مريضم از فراقش می‌کنم تو(۱)

همی دونم که رنگم می‌شود زرد
خودم دونم که عشق نازینه

شنیدم دلبرم تو داره امشو
روی غم‌ها، غمی نو داره امشو(۲)

به خواری روزها شب می‌کنم من
همیشه یاد از آن شب می‌کنم من

تو می‌نالی و من می‌میرم از درد
بیین دور تو می‌گردد زن و مرد

مبادا وِر سرم یاری بگیری
سر شوم تو کنی شو گر بمیری(۳)

۱- شوم (šuvom) = شیم - لُو (lo) = لب - تو (tu) = تب

۲- دلم دُو داره = دلم اضطراب دارد - افته (ofte) = افتد غمی نو - غمی تازه

۳- سر شوم = سر شام. شوگیر (šugir) = شب‌هنگام

سر درد در ترانه‌های محلی:

به رویم واکنین باغ گل زرد
غریبی گشته‌ام رنگم شده زرد

سَرْمُ درد و سَرم درد و سرم درد
به رویم واکنین هیچ چیم نگوئین

طیب از ملک اسکندر بیارین
برین از خونه دلبر بیارین(۱)

سَرْمُ درد می‌کنه، صندل بیارین
اگر در ملک اسکندر نباشه

نمی‌تونم برم دنبال گلم
بز زنگیم نمی‌دونم چطو شد

سرم درد می‌کنه تا پشت کلم
گلم او خورد و تو خورد و ولو شد

زن ارباب من به جنگش آیه
چه خاکی سر کنه بیچاره چوپون(۲)

بز زنگیم صدای زنگش آیه
زن ارباب میاد با چوغ و رسمون

که سر دردم نداره هیچ درمون
به جز مردن ندارم هیچ درمون(۳)

مسلمونون مُو دارم درد پنهون
اگر لقمون به پای خوش بیایه

دیوانگی در ترانه‌های محلی

طیب اومد دوا داد و بت‌ر شد
دوای عاشقی خون جگر شد

دل دیوونه بود، دیوونه تیر شد
طیب اومد دوا عاشقی داد

۱- صندل = sandal) درختی کوچک از تیره صندلها که به علت دارا بودن مکینه پائی بر روی ریشک پای خود طفیلی گیاهان مجاور می‌شود. منشأ اصلی

این درخت هندوستان است ولی امروزه در نقاط دیگر مناطق حاره نیز پرورش می‌یابد. فرهنگ معین جلد دوم.

۲- او، آب- تو (Tu)= تاب- می‌آیه= می‌آید. چوغ = چوب. رسمون = ریمان

۳- مُو = من - درمون = درمان - خوش بیایه (xoš- biyâye)= خودش بیاید

این هم روایت دیگری از همین ترانه:

دلَم دیوونه بود، دیوونه تر شد
کسی که او ندونه درد عاشق

چشم درد در ترانه‌های محلی:

دو چشمنوم به درد اومد به یکبار
بده دستمال تا چشمم بیندم

روایت دیگری از همین ترانه:

دو چشمانم به درد آمد به یک بار
بده دستمال بیندم هر دو چشمم

تبخال در ترانه‌های محلی:

سر چشمه رسیدم آب گنده
کسی که می‌خوره از آب کوثر

بیا دلبر که من تو دارم امشو
سرت بردار بگذار روی زانوم

مومیایی در ترانه‌های محلی (دارویی محلی در طب سنتی)

پری داغ جدایی دارم از تو
صد و سی و سه خنجر خورده پایم

طیب اومد به بالینم بهتر شد
که ای دردم از او دردم بهتر شد

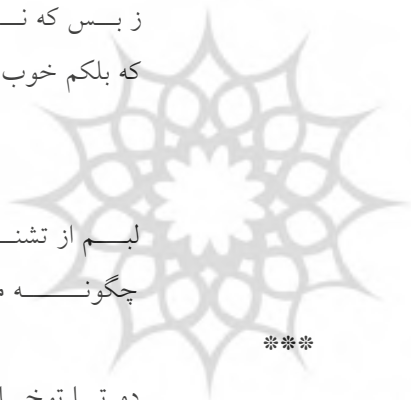
ز بس که گریه کردم از غم یار
که شاید به شود از بوی دستمال

ز بس که ناله کردم از غمت یار
که بلکم خوب شود از بوی دسمال(۱)

لبم از تشنگی تبخال گنده
چگونه می‌خوره از آب گنده

دو تا توخال به یک گو دارم امشو
چو ملائی که مکتب دارم امشو(۲)

نشان آشنایی دارم از تو
سراغ مومیایی دارم از تو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- بلکم (balkam) = شاید

۲- آب گنده = آب کثیف - تبخال = تاولی که بر اثر عفونت حاد عمومی بدن در کنار لب یا در مخاط دهان پدید آید.

مارزدگی در ترانه‌های محلی:

زمین و آسمون می‌شنت صدایم
که بندد حجله نیلی برایم

شبی که مار زخمی زد به پایم
خبر از مادر پیرم رسونین

سرماخوردگی در ترانه‌های محلی:

بغل بگشا که سرما خورده‌یم مُو
که دیشو در بیابو مُندویم مُو(۱)

بلند بالا به کوه‌ها مُندویم مُو
بغل بگشا مُوره کنج بغل گیمر

بیمار دقایق و ساعات سختی را می‌گذراند ولی تظاهر بیماری در شب بیشتر از روز است و به طور کلی بیمار شب‌هنگام تلخی بیماری را بیشتر حس می‌کند:

درازی شو برین بیمار پرسین
برین از بندیان لار پرسین

درازی راه برین راهدار پرسین
اگر خواهی ز احوال بدونی

این ترانه به ترانه بالا نزدیک است:

درازی شب از بیمار واپرس
ته که جان و دلی یکبار واپرس

غم و درد من از عطار واپرس
خلایق جملگی احوال پرسند

تفریق در ترانه‌های محلی

به چش کور و به پا لنگت نمایه
خدایه الحدی تنگت نمایه(۲)

بیا عمو خدا سنگت نمایه
تو که چوغ می‌شکنی در کار مهدی

۱- توخال = تیخال - گو = لب - امشو = امشب

۲- مُندیم مو = مانده‌ام من - مُوره (more) = مرا - بیابو = بیابان - خوردیم مو = خورده‌ام من

دلم بردی سزایست با خدا بو
خدا دردیت بده شهـر غریبی

خدا دردیت بده که بی دوا بو
که هر جا می روی رویت سیاه بو (۱)

الهی هر که بدخواه تو باشه
بشه کور و نبینه پیش رویش

به درد بی دوا یسی مبتلا شه
به چاه افته سرش از تن جدا شه (۲)

این چند ترانه لری مربوط به ممسنی است:

دلم ایخواه تو بکنم اما نمیرم

گل بیا بالای سرم دارش ببینم

delom eyxâh tu boknom ama namirom
gol biyâ bâloy darom dâre ša bebinom

برگردان: دلم می خواهد تب بکنم، اما نمیرم

آرزو دارم محبوبم بالای سرم بیاید، تا قد و بالایش را ببینم

اِسْتَفْتَم تو ناخشی سر دسِ دکتَر

شاه قاسم خَشیت ایکنم به ضرب کُنجر

ešnoftom to nâxaši sar dese doktor
šah âsem xašet ikonom be zarbe konjor

برگردان: شنیده ام ناخوشی و نزد دکتَر می روی

به شاه قاسم قسم که به ضرب نیشگون خوبت می کنم

دندونم درد ایکنه ملی ژوندَم

دسمال یارم بدین پوژم وش ببندَم

dandunom dard iykone mali zorondom
dasmâle yaroma bedin puzoma vaš bebndom

برگردان: دندانهایم درد می کند، خیلی ناراحتم
دستمال یارم را بدهید تا دهنم را با آن ببندم

آر بخواه درد سیش بیا بهزنش آ جوئم

مُو بره قروبونیشم مده آموئم

ar- bexâh dard siš biyâ bezaneš a- junom
mo barye gorbunišam made amunom

۱- بدونی = بدونی نام سراینده ترانه است.

۲- چش = (ceš) = چشم - چوغ = چوب - مهدی از ترانه سرایان جنوب است که شرح حالش را در کتاب «سیری در ترانه های محلی» آورده ام.

برگردان: خداوندا اگر بخواهد دردی برایش بیاید دردش را به من بده بره قربانی او هستم امانم نده

إشْفُتُمْ تُو نَاخَشِي شَالَا خَشْت بُو

هر دو دَسْم متکا سرت بُو

ešnoftom to nâxaši šalla xašet bu
har do dasom motakâ zire saret bu

برگردان: شنیده‌ام ناخوشی ان شاءالله خوب خواهی شد
هر دو دستم را بسان نازبالش زیر سرت می‌گذارم

دَس کِردم مِین کره دون کره درآرُم

یه ماری دَسْم زد پیت وَر ایارُم

das derdam men kare dun dare dar ârom
ye mâri dasom zad pit var iyârom

برگردان: دست در کره دان کردم، کره درآوردم

ماری دستم را نیش زد، از درد به خود می‌پیچم

دو تیت کو را بوره پیش پا نبینی

تا تو بُو توبه کنی یارُم نسونی

do tiyat kura bure piš pâ nabini
tâ to bu tovbe koni yarome nasuni

برگردان: آرزو می‌کنم دو چشمت کور شود و جلوی پایت را نبینی
تا تو باشی توبه کنی و به فکر گرفتن محبوبم نباشی

منابع:

- شماره اول، سال پنجم مجله دانشکده ادبیات تبریز
- فرهنگ معین، جلد دوم و چهارم
- هفتصد ترانه، کوهی کرمانی
- ترانه‌های محلی فارس، باقر لارستانی از صادق همایونی
- ترانه‌های محلی و سیری در ترانه‌های محلی، ابوالقاسم فقیری
- ترانه‌های ملی ایران، پناهی سمنانی
- هزار ترانه به لهجه روستایی
- ترانه‌های روستایی خراسان، ابراهیم شکورزاده